

پیشگفتار

منطبق هستند. ^۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (۱۹۶۶) و پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و مقاله نامه اختیاری آن که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسیده است، منشور بین المللی حقوق بشر را تشکیل می دهند. برخی نیز با انتقاد شدید از اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقایسه آن با اصول و احکام مذهب سعی در اثبات این نکته دارند که این اعلامیه ناقص و ابتدایی و در برابر ارجحیت و ممتاز بودن احکام مذهبی فاقد کارایی است. ^۲ بسیاری از مفسران و طرفداران حقوق بین الملل بشر، آن را چنان مطلق، کامل و جهان شمول معرفی می کنند که کمتر کسی در ذهن خود مجال و امکان بررسی منتقدانه می یابد و اگر هم انتقادی به ذهن برسد، کمتر کسی جرأت می کند آن را به زبان بیاورد یا بنویسد.

درباره کامل بودن و جامعیت و جهان شمولی حقوق بین الملل بشر، سخن فراوان گفته شده است و این گفتارها چنان سخت و انعطاف ناپذیر است که به نظر می رسد این دیدگاه چندان تاب تحمل انتقاد یا مطرح شدن نوع دیگری از حقوق بشر را به عنوان حقوق هم عرض ندارد. از سوی دیگر، گروهی به جامعیت و کامل بودن حقوق بشر از دید اسلام و تعارض کامل آن با حقوق بشر مورد حمایت غرب معتقدند. اما دستکم رویدادهای ۱۱ سپتامبر نشان داد که تفکرات آکادمیک، بی اعتبار به اقیانوس جهانی یا تلاش برای تحمیل یک ایده و فنی دیگر اندیشه ها نمی تواند گره گشای مشکلات جهان معاصر باشد. وقتی افکار و ایده ها و خواسته هایی مجال برای عرضه شدن نمی یابد و به عنوان اندیشه هایی منسوخ، حتی قابل بررسی تلقی نمی شود، به گونه غیر عادی و زیرزمینی گسترش پیدا می کند و ناگهان خود را در قالب حوادث غیر مترقبه و توجیه و تفسیر نشدنی نشان می دهد.

اگر مطلق گرایان و طرفداران سلطه همه جانبه گونه ای خاص از حقوق بشر بر همه ملت ها و اقوام و تمدن ها، از جزمیت و تلاش در جهت تحمیل ایده های خود به دیگران دست بردارند و تنوع و تکثر و اختلاف فرهنگها و عقاید را به عنوان یک

درباره حقوق بشر از دیدگاه اسلام تا کنون مقاله ها و کتاب ها نوشته شده و سخن فراوان رفته است و برخی از نویسندگان و گویندگان هم به مقایسه این حقوق با حقوق بین الملل بشر پرداخته اند. هر چند برخی کسان با اصل طرح اصطلاح حقوق بشر اسلامی مخالفند و می گویند: بشر، بشر است اسلامی و غیر اسلامی ندارد؛ حقوق بشر یکی است و آن همان حقوق بین الملل بشر در عصر حاضر است و ذکر دیگر انواع حقوق بشر هدفی جز نقض حقوق انسانی ندارد، ولی می توان گفت که سخن بالا، یعنی نفی دیگر تفکرات و ایده ها درباره حقوق بشر و تلاش برای تحمیل یک نوع از حقوق بشر بر همه ملت ها و اقوام و فرهنگ ها و تمدن ها، خود برخلاف حقوق بین الملل بشر است و با اصل برابری انسانها در حیثیت ذاتی و کرامت و آزادی عقیده و بیان، گذشته از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، در تضاد است. بنابراین ورود به بحث مقایسه ای، مستلزم این مقدمه واجب است که انسان تنوع و تکثر در حقوق بشر را بپذیرد و قائل به مطلق بودن حقوق بین الملل بشر نباشد. از این رو، بررسی وحدت (یگانگی) در حقوق بشر یا پذیرش کثرت (چندگانگی) در این حقوق اساسی و پایه ای برای بشر، بخش نخست بحث را تشکیل می دهد.

حقوق در جوامع، همچون کوه های یخی در اقیانوسها است که تنها بخش کوچکی از آنها که بیرون از آب است دیده می شود ولی بخش بزرگ و ریشه ای در درون آب، از دید پنهان است. مبانی فلسفی و پایه ای حقوق و سوابق فرهنگی و تاریخی، بخش زیربنایی هر نوع حقوق را تشکیل می دهد و شناخت واقعی آنچه در ظاهر به نام حقوق بشر وجود دارد، در گرو شناخت مبانی پایه ای و نظری آن است. بنابراین، تا آن اندازه که لازمه یک بحث تطبیقی است مبانی نظری حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر از دیدگاه اسلام، به کوتاهی در بخش دوم بررسی و مقایسه می شود.

برخی در توضیح حقوق بشر از دیدگاه اسلام، صادقانه می کوشند تا نشان دهند که حقوق بشر از نظر اسلام تفاوتی با مواد مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر ندارد و این دو کاملاً بر هم

حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر اسلامی؛ تعارضی یا تمارض؟

دکتر فرهاد پروین

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مقررات حقوق بشر بعنوان توجیهی برای نقض حقوق اساسی و حیاتی انسانها، هر دو نشانگر اصالت و وجود نکات مثبت در مقررات حقوق بشر جهانی و نیز در نظریه کثرت در حقوق بشر و لزوم توجه به تنوع فرهنگها و تمدن‌ها در زمینه مقررات مربوط به حقوق بشر است.

۲- ناهمخوانی اندیشه یگانگی در حقوق بشر با واقعیت

یکی از معیارهای سنجش درستی یا نادرستی يك نظریه، همخوانی آن با واقعیت‌های موجود در جوامع انسانی است. حقوق بین‌الملل بشر شاخه‌ای از علم حقوق و علم حقوق هم‌شاخه‌ای از علوم انسانی است. در حالی که در همه شاخه‌های علوم انسانی، عقاید و تئوری‌ها و راه‌حل‌های متفاوت و متنوع دیده می‌شود و برای مثال، گونه‌ای جامعه‌شناسی جهان‌شمول و یکنواخت که همگی بر آن متفق‌القول باشند و در همه زمانها و مکانها کاربرد داشته باشد وجود ندارد، و حتی در شاخه‌های مختلف حقوق، مانند حقوق مربوط به اسامی، اشخاص یا بازرگانی، آنچه تحت عنوان حقوق، که مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها است، از کشوری تا کشور دیگر متفاوت است، چگونه می‌توان در بخش حقوق بشر، نسخه‌ای یکنواخت و یکسان برای همگان تجویز کرد و همه تفاوت‌های منطقه‌ای، سیاسی، فرهنگی، تاریخی، ایدئولوژیک و... را یکسره نادیده گرفت؟

آیا بر پایه برخی شباهتها در نیازهای حیاتی و اساسی انسان‌ها، می‌توان تفاوت‌هایی را که میان جوامع گوناگون بشری از آغاز تا کنون وجود داشته و دارد، انکار کرد؟ آیا انسان‌هایی که در آفریقا، آسیا یا اروپا زندگی می‌کنند، همه یکسان می‌اندیشند و همه يك فرهنگ و نیازهای کاملاً یکسان دارند؟ حتی از نظر مادی نیز نیازهای انسانی که در صحرای عربستان زندگی می‌کند با انسانی که در قطب شمال است یا با کسی که در جنگلهای آفریقا به سر می‌برد یکسان نیست تا چه رسد به مسائل مربوط به علم حقوق که دنیای اعتبارات و قراردادهاست و در این اعتبارات و قراردادها، گذشته از خود بشر به نقش جامعه‌ای که این بشر در آن زندگی می‌کند نیز قطعاً نمی‌توان بی‌توجه بود.

واقعیت‌پذیرند، گذشته از اینکه این تنوع خوشایند یا ناخوشایند آنهاست، قطعاً ضریب زیرزمینی شدن افکار و ایده‌ها و بروز حوادث غیر قابل پیش‌بینی کمتر خواهد شد. بنابراین مسئله وحدت یا کثرت در حقوق جهانی بشر، بحثی است محوری که بخش نخست مقاله را تشکیل می‌دهد.

بخش نخست: وحدت (یگانگی) یا کثرت (چندگانگی) در حقوق بشر

بسیاری کسان بر این باورند که بشر، گذشته از هر چیز، دارای يك رشته حقوق اساسی است که تحت هیچ شرایطی نباید مورد تجاوز قرار گیرد. این حقوق عام، جهانی و یکسان، همان حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق‌های بین‌المللی مربوط به آن آمده است. این عده، کثرت در حقوق بشر را ضد حقوق بشر می‌دانند و گمان دارند که هدف از طرح آن چیزی جز نقض و عدم رعایت مقررات حقوق بین‌الملل بشر نیست. در نتیجه، هر گونه اندیشه‌ای تحت عنوان حقوق بشر را که با حقوق بین‌الملل معاصر مغایر باشد، به شدت رد می‌کنند. بخشهایی از این اندیشه، به دلایل زیر قابل تأمل و حتی غیر علمی به نظر می‌رسد:

۱- نفی يك ایده به علت کاربرد نادرست آن همچنان که کاربرد تبعیض آمیز حقوق بین‌الملل بشر در صحنه بین‌المللی و اینکه برخی از دولتهای قدرتمند، از آن بعنوان حربه‌ای برای حمله به دشمنان و جلب نظر دوستان استفاده می‌کنند نمی‌تواند دلیلی بر نفی حقوق بین‌الملل بشر و نکات مثبت و اساسی و حیاتی در آن باشد، اینکه برخی از عدم جامعیت حقوق بشر جهانی و قابل انتقاد بودن اصول آن صرفاً بعنوان پوششی برای نواقص عملکرد خود استفاده می‌کنند نیز قطعاً نمی‌تواند دلیلی بر مردود بودن اصل صورت مسئله باشد. برعکس، همواره حقایق و واقعیات و ایده‌های مطلوب مورد جعل و سوءاستفاده قرار می‌گیرد. استفاده ابزاری برخی از دولتها از حقوق بشر برای پیشبرد منافع استعماری خود، و نیز استناد برخی دیگر از کشورها به جامع نبودن حقوق بشر جهانی و لزوم پذیرش کثرت در

○ دستکم رویدادهای ۱۱

سپتامبر نشان داد که تفکرات آکادمیک، بی‌اعتنا به واقعیات جهانی یا تلاش برای تحمیل يك ایده و نفی دیگر اندیشه‌ها نمی‌تواند گره‌گشای مشکلات جهان معاصر باشد. وقتی افکار و ایده‌ها و خواسته‌هایی مجالی برای عرضه شدن نمی‌یابد و به عنوان اندیشه‌هایی منسوخ، حتی قابل بررسی تلقی نمی‌شود، به گونه غیر عادی و زیرزمینی گسترش پیدامی‌کند و ناگهان خود را در قالب حوادث غیر مترقبه و توجیه و تفسیر نشدنی نشان می‌دهد.

وجود معاهده اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ که از ۱۹۵۳ به اجرا گذاشته شده است، معاهده آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) که از ۱۹۷۸ به اجرا در آمده است و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱) که از ۱۹۸۶ قابلیت اجرایی یافته است، نشان می‌دهد که هر چند در برابر تقسیم‌بندی حقوق بشر بر پایه مکاتب و ایدئولوژی‌ها مقاومت‌های زیادی وجود دارد، اما تنوع حقوق بشر، به علت تنوع فرهنگها، بر اساس مناطق جغرافیایی، پذیرفته شده است.

۳- تضاد اندیشه یگانگی حقوق بین‌الملل بشر با اعلامیه جهانی حقوق بشر

وقتی حقوق جهانی بشر قائل به آزادی و برابری همه انسانها است و در نخستین سطر مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که:

«شناسایی حیثیت ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد»؛ و وقتی در ماده ۱۸ این اعلامیه آشکارا مقرر شده است که:

«هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی در اظهار عقیده و ایمان است که شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی می‌شود. هر کس می‌تواند از این حقوق به گونه فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی برخوردار باشد»؛ و در ماده یک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قید شده است که:

«همه ملت‌ها از حق خودمختاری بهره‌مند هستند و به موجب حق مزبور، وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.»^۲؛ به یقین می‌توان گفت که مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های مربوط به آن به تنوع و تکثر اندیشه‌های انسان‌ها در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه حقوق بشر، احترام می‌گذارد و در واقع این حقوق بین‌الملل بشر نیست که اندیشه تنوع و کثرت را نفی می‌کند، بلکه برخی مفسران هستند که زیر پوشش مقررات جهانی حقوق بشر، ابراز

عقاید و اندیشه‌های متفاوت را بر نمی‌تابند. برتر شمردن برداشتی خاص از حقوق بشر و مردود دانستن دیگر تفکرات، با خود اندیشه حقوق جهانی بشر که گوهره آن احترام به حیثیت و کرامت همه انسانها و احترام به افکار و عقاید آنان، فارغ از سن و نژاد و جنس و موقعیت جغرافیایی است، منافات دارد. به سخن دیگر، طرفداران وحدت و یگانگی حقوق بشر و جهان‌شمول بودن آن، در عمل خواهان سلطه طرز تفکر خود بر دیگر اندیشه‌ها هستند و این خود نوعی استبداد و ضد حقوق بشر است. چگونه می‌توان همه افکار و نظریات و اندیشه‌های متفاوت در زمینه حقوق بشر در سطح جهانی را یکسره نفی کرد و در عین حال این سلطه‌جویی را مغایر با آزادی و برابری انسانها ندانست؟ مگر اینکه قائل به این باشیم که ارائه‌کنندگان اندیشه‌های متفاوت، بشر نیستند یا درک و فهم کافی ندارند. بدیهی است که همه این پندارها ضد حقوق بشری است.

بنابراین روشن است که پذیرش سلطه یک نوع حقوق بشر و نفی دیگر تفکرات، خود اندیشه‌ای ضد بشری و نیز مخالف دموکراسی است. اگر «دمو» به معنای جمعیت و کراسی به معنای حکومت است، چرا نظر جمعیت‌هایی که برداشتی متفاوت از حقوق بشر ارائه شده از سوی غرب دارند، بی‌ارزش است؟ آیا در دموکراسی، رأی اکثریت، هر چه باشد، معتبر است یا اینکه نظرات مردم در صورتی ارزش دارد که با تفسیرهای خاص از حقوق بشر که عمدتاً از سوی برخی از اندیشمندان و نیز دولت‌های غربی مطرح شده است در تضاد نباشد؟ روشن است که در نتیجه ارزش قائل نشدن برای دیگر برداشتها و تفسیرها از حقوق بشر و ندادن مجال بروز به آنها و تحقیر و سرزنش آنها، این افکار به گونه پنهانی رشد می‌کند و چون امکان خودنمایی آشکار و در معرض نقد و بررسی قرار گرفتن نمی‌یابد، قطعاً دچار انحرافات نیز می‌گردد و ناگهان طرفداران سلطه یک تفسیر خاص از حقوق بشر با پدیده‌هایی روبرو می‌شوند که قادر به توجیه و تبیین علمی آنها نیستند. دبیر کل سازمان ملل، «کوفی‌انان» در سخنرانی خود به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در

○ اگر مطلق‌گرایان و طرفداران سلطه همه‌جانبه گونه‌ای خاص از حقوق بشر بر همه ملت‌ها و اقوام و تمدن‌ها، از جزمیت و تلاش در جهت تحمیل ایده‌های خود به دیگران دست بردارند و تنوع و تکثر و اختلاف فرهنگها و عقاید را به عنوان یک واقعهیت پذیرند، گذشته از اینکه این تنوع خوشایند یا ناخوشایند آنهاست، قطعاً ضریب زیرزمینی شدن افکار و ایده‌ها و بروز حوادث غیر قابل پیش‌بینی کمتر خواهد شد.

بخش دوم: بررسی تطبیقی مبانی فطری حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر اسلامی

بررسی اجمالی اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و دیگر کنوانسیون‌های مربوط نشان می‌دهد که شالوده‌های این حقوق، برخاسته از مکتب حقوق فطری یا طبیعی و مکتب اصالت فرد بر پایه محوریّت عقل انسان و نفی هر گونه سلطه قومی یا مذهبی یا فرهنگی بر انسان است. واقعیت این است که این اعلامیه از نظرات اندیشمندان غیر مذهبی غربی مایه گرفته است و محوریّت فرد در همه جای این اعلامیه دیده می‌شود. با توجه به گسترش افکار آزادیخواهانه در سده‌های ۱۸ و ۱۹ و تأکید بر مکتب «اصالت فرد» پس از جنگ جهانی دوم، به دنبال برپایی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر که شاخه‌ای از شورای اقتصادی و اجتماعی است به تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخت. آموزه حقوق بشر بر مفهوم و قرائت خاصی از بشر استوار است.^۶ تحت تأثیر مکتب اصالت فرد، آزادی پیشه و بیان و قلم در اعلامیه حقوق بشر از حقوق فطری و تغییر ناپذیر بشر محسوب می‌شود.^۷ دیدگاه‌هایی که الهام بخش روایت‌هایی اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده در اساس به يك منظومه فلسفی نسبتاً غربی مربوط می‌شده و سنت‌های فلسفی و حقوقی غیر اروپایی که شاید می‌توانسته آرمانهای متفاوت یا تکمیلی حقوق بشر را مطرح سازد، کمتر در مذاکرات و مشورت‌ها مورد توجه بوده است. دیدگاه‌های اروپایی، یکسره بر نظر خواهی‌هایی که به نگارش «اعلامیه جهانی» انجامید، سایه افکن بوده است.^۸ این اعلامیه در صدد هشتاد و سومین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در قصر شایلو در پاریس در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) با ۴۸ رأی موافق، ۸ رأی معتنع و بی‌رأی مخالف به تصویب رسید. هشت کشور که رأی معتنع دادند، از جمله عربستان و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) تأکید ورزیدند که با کل «اعلامیه» مخالف نیستند، بلکه برخی از مواد آن را تأیید نمی‌کنند.^۹ بنابراین، حقوق بین الملل بشر گرچه غیر مذهبی است، ولی ضد مذهبی نیست؛ برعکس، به «مذهب» احترام می‌گذارد و قائل به آزادی در اجرای تعالیم مذهبی

۱۹ آذر ۱۳۷۶، در دانشگاه تهران گفت: «نمونه واحدی برای دموکراسی یا حقوق بشر یا نمادی فرهنگی برای همه جهان وجود ندارد. اما برای همه جهان، باید دموکراسی، حقوق بشر و برخورداری از آزادی فرهنگی وجود داشته باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر تنوع و کثرت‌گرایی جهانی را گرمی می‌دارد... تنوع‌گرایی کمتر از حیثیت جهانی انسان نیست و لازمه شرایط بشری است.»^{۱۰}

خانم مری رایبسون، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در پیام خود به نخستین همایش بررسی مسائل حقوق بین الملل بشر در دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی (اردیبهشت ۱۳۸۱) اظهار داشت: «دولتها موظفند در عین توجه به ویژگیهای ملی و منطقه‌ای و نیز پیشینه‌های متعدد تاریخی، فرهنگی و دینی که جهان ما را شکل می‌دهند، بدون در نظر گرفتن نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود - برای ارتقاء و صیانت همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بکوشند.» طبق این پیام، اگر دولتی حقوق بین الملل بشر را در کشور خود بی‌توجه به ویژگیهای فرهنگی و دینی مردمش اجرا نماید، در واقع به حقوق بشر عمل نکرده است.

ردّ پیش‌نویس قطعنامه «نقض حقوق بشر در ایران»، توسط اکثریت اعضای کمیسیون حقوق بشر در اجلاس پنجاه و هشتم در ژنو^{۱۱} گامی بزرگ در راه شناسایی کثرت‌گرایی در حقوق بشر است؛ زیرا تأیید رعایت موازین حقوق بشر در ایران در حالی است که همگان آگاهند، بخش بزرگی از قوانین مدنی و جزایی ایران مبتنی بر فقه اسلامی است. تصویب نشدن پیش‌نویس قطعنامه مذکور به معنای پذیرش ضمنی ضوابط حقوق بشر از نظر اسلام توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل است.

با توجه به اینکه از حدود ۵ میلیارد نفر جمعیت جهان، نزدیک به يك میلیارد (۲۰٪) آن مسلمان هستند، بررسی مقایسه‌ای حقوق بشر از دیدگاه مذهب اسلام و حقوق بین الملل بشر می‌تواند در راستای احترام به عقاید و افکار انسان‌ها و مراعات آنها مفید واقع شود.

○ به یقین می‌توان گفت که مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های مربوط به آن به تنوع و تکثر اندیشه‌های انسان‌ها در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه حقوق بشر، احترام می‌گذارد و در واقع این حقوق بین الملل بشر نیست که اندیشه تنوع و کثرت را نفی می‌کند، بلکه برخی مفسران هستند که زیر پوشش مقررات جهانی حقوق بشر، ابراز عقاید و اندیشه‌های متفاوت را بر نمی‌تابند.

است و تفسیرهای ضد مذهبی از این حقوق با مفاد و نیز با روح حقوق بین الملل بشر مغایرت کامل دارد.

درباره حقوق بشر از دیدگاه اسلام، متن متونی که وجود دارد، اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰ (۱۵ مرداد ۱۳۶۹) اجلاس وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره است.^{۱۰} این اعلامیه بیانگر نظرات شرکت کنندگان در این اجلاس است و نمی توان دیدگاه اسلام در مورد حقوق بشر را منحصر به اعلامیه مذکور دانست. این اعلامیه، چون مراحل تصویب قانونی در کشورهای اسلامی را طی نکرده است، به صورت جزئی از حقوق موضوعه در نیامده است؛ ولی تا همین حد می توان گفت که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با بیانیه فوق، که در بسیاری از موارد اختلافهای اساسی با اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد، به گونه ضمنی اراده خود را مبنی بر پذیرش مشروط اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های مربوط به آن اعلام کرده اند.

در اسلام، همچون دیگر ادیان، عبادات، اخلاق و حقوق (فقه) پیکره ای واحد و غیر قابل تفکیک را تشکیل می دهد. منابع حقوق در مذهب، جدا از منابع دین نیست. بنابراین، این حقوق «وحي» محور است و مافوق انسان. در حقوق «خدا محور»، انسان موجودی محدود محسوب می شود و عقل بشری نیز که جزئی از وجود انسان است محدود بوده و شایستگی تام قانونگذاری برای خود را در همه موارد ندارد. ممکن است از قاعده ملازمه حکم عقل و حکم شرع یعنی «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل» و کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» چنین به ذهن برسد که چون حقوق بین الملل بشر ساخته و پرداخته عقل بشری است یکسره مورد تأیید شرع نیز هست. ولی باید توجه داشت که این قاعده ساخته و پرداخته فکر اصولیین متأخر است و هیچ دلیلی از کتاب و سنت آن را تأیید نمی کند؛^{۱۱} بلکه آیات و روایات آن را رد می کند و در حدیث آمده است که: «دين الله لا يصاب بالفعول» (مردمان با عقل های خود نمی توانند به

دین خدا برسند). به نظر می آید که منظور از عقل در قاعده بالا، عقل انسانی که هم محدود است و هم با شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی آمیخته شده است، نیست، بلکه منظور مجرد عقل (فارغ از محدودیت زمانی و مکانی و تأثیرات عوامل قومی و فرهنگی) است. در غیر این صورت، اگر قاعده ملازمه با همان کلیت ظاهری آن مورد نظر باشد، دیگر اساساً نیازی به بعثت انبیاء نیست چرا که عقل بشری همه چیزهایی را که شرع گفته است می تواند به خودی خود درک کند. حتی استاد مظفر هم که در باب تلازم شرع و عقل بیش از همه سخن گفته است قائل به این مطلب است که احکام و مدارک احکام شرعی مستقلاً بوسیله عقل به دست نمی آید.^{۱۲} درست است که از نظر مذهب، وحی در تضاد با عقل نیست و عقل محدود انسانی که عقل جزء است بر توی است از عقل نامحدود الهی که عقل کل است و در معارف اسلامی از عقل به «رسول باطنی» و از نبی به «رسول ظاهری» تعبیر شده است، ولی به هر حال از دید مذهب، در صورت تعارض بین آنچه عقل انسان تشخیص می دهد با آنچه دستور مسلم عقل الهی است باید دستور ناشی از وحی مقدم شمرده شود و لازمه اعتقاد به نامحدود بودن و کامل بودن خالق، تبعیت مخلوق از خالق است. در صورتی که در حقوق غیر مذهبی، نیرویی مافوق انسان وجود ندارد و انسان تابع عقل خویش است و در صورت بروز تعارض بین عقل انسان ها، ملاک رأی اکثریت است. هدف حقوق مذهبی گذشته از ایجاد نظم و عدالت در جامعه، تأمین سعادت دنیوی و اخروی افراد است و در این راه آخرت بر دنیا رجحان دارد؛ در حالی که هدف حقوق غیر مذهبی، تأمین نظم و به صورت آرمانی، سعادت افراد صرفاً در دنیا است و هدف حقوق بین الملل بشر نیز نمی تواند فراتر از این باشد؛ یعنی در بهترین حالت سعی در اداره مطلوب جوامع دارد، در حالی که هدف حقوق بشر از دید ادیان و از جمله اسلام، گذشته از اداره جامعه، هدایت انسان ها از وضع موجود به سوی وضع مطلوب و تأمین سعادت دنیوی و اخروی هر دو است. ضمانتهای اجرا در حقوق بین المللی بشر، دنیوی است در حالی که ضمانت اجرا در حقوق

○ برتر شمردن برداشتی خاص از حقوق بشر و مردود دانستن دیگر تفکرات، با خود اندیشه حقوق جهانی بشر که گوهره آن احترام به حیثیت و کرامت همه انسانها و احترام به افکار و عقاید آنان، فارغ از سن و نژاد و جنس و موقعیت جغرافیایی است، منافات دارد. به سخن دیگر، طرفداران وحدت و یگانگی حقوق بشر و جهان شمول بودن آن، در عمل خواهان سلطه طرز تفکر خود بر دیگر اندیشه ها هستند و این خود نوعی استبداد و ضد حقوق بشر است.

بخش سوم: وجوه اشتراک حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر اسلامی

در مقایسه این دو حقوق، وجوه اشتراک بسیاری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیونهای مربوط به آن و اعلامیه حقوق بشر اسلامی (مصوب کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در قاهره ۱۹۹۰) بعنوان نمونه‌ای از دیدگاه ارائه شده درباره حقوق بشر از نظر اسلام می‌توان یافت که به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود. به علت اختلاف در مبانی، گاه شباهت‌ها و تفاوت‌ها در متون مذکور چنان با یکدیگر آمیخته شده که تفکیک آنها مقدور نیست بویژه در مواردی که مواد مربوط به منشور بین المللی حقوق بشر سخن از محدودیت بوسیله «قانون» می‌کند و مواد اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر از دیدگاه اسلام، تنها ملاک جواز یا محدودیت را «شرع» و «احکام شریعت» می‌داند.

- تضمین حق حیات برای انسانها

ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد:

«حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بی مجوز) از زندگی محروم کرد.»

بند الف از ماده ۲ اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر از نظر اسلام می‌گوید:

«زندگی موهبتی الهی و حقّی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومتها واجب است که از این حق حمایت و در مقابل هر تجاوزی به آن ایستادگی کنند و کشتن هیچ کس بی مجوز شرعی جایز نیست.»

- نفی بردگی

ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.»

ماده یازدهم اعلامیه حقوق بشر اسلامی به گونه‌ای جامع‌تر به این مطلب اشاره دارد: «الف) انسان آزاد متولد می‌شود و هیچ کس حق

مذهبی، هم دنیوی و هم اخروی، و اساساً اخروی است. حقوق بین الملل بشر وارد مباحث اخلاقی نمی‌شود زیرا قائل به اصل جدایی اخلاق از حقوق است؛ در حقوق بشر از دیدگاه اسلام، اخلاق زیربنا و جزء جدانشدنی قواعد حقوقی است و حقوق مذهبی نسبت به اعمال انسانها، حتی در مواردی که هیچگونه زبانی به شخصی نمی‌رسد و شکایتی نیز وجود ندارد، بی تفاوت نیست و بخاطر هدف خود که تأمین سعادت و دنیاست ناگزیر دارای احکام و مقرراتی است که از نظر حقوق غیرمذهبی، اخلاقی است نه حقوقی. اندیشه و جهان بینی غرب به انسان مرکزیت می‌دهد. اعتقاد به اینکه «انسان میزان سنجش همه چیز است» اصلی است فلسفی که به زمان پیش از سقراط برمی‌گردد. اساطیر یونانیان و پس از آن همه مکاتب فلسفی آنان از این اصل سرچشمه می‌گیرد. این اصل در سنت مسیحیت اروپایی نیز نفوذ کرد و به این ترتیب خدا در خدمت انسان و نیازهای او درآمد و قربانی شدن حضرت مسیح برای نجات بشر از گناه، در واقع خدمت به «انسان» شمرده شد که محور عالم است.^{۱۲}

بنابراین هر چند موضوع هر دو حقوق در حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر از دیدگاه اسلام، انسان است اما دید و نگرش آنها نسبت به انسان و اهداف این دو حقوق، در کنار وجوه تشابه، دارای تفاوت‌های عمیق و اساسی است. با توجه به اختلاف در مبانی و دیدگاه و نگرش نسبت به انسان، نباید انتظار داشت، احکام حقوق بشری برخاسته از عقل انسانها و به عبارت دیگر حقوق بشر مطلق، با احکام حقوق بشری منبث از وحی به عبارت دیگر حقوق بشر مقید به فیود دینی، صددرصد یکسان و فاقد هرگونه تمایز باشد.

بررسی برخی وجوه اشتراک و نیز تمایز این دو حقوق قسمتهای سوم و چهارم بحث را تشکیل می‌دهد. برای تسهیل این مقایسه، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاقهای بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ و اعلامیه قاهره ۱۹۹۰ در مورد حقوق بشر در اسلام مبنای مطالعه تطبیقی قرار می‌گیرد.

○ حقوق بین الملل بشر گرچه غیر مذهبی است، ولی ضد مذهبی نیست؛ برعکس، به «مذهب» احترام می‌گذارد و قائل به آزادی در اجرای تعالیم مذهبی است و تفسیرهای ضد مذهبی از این حقوق بامفاد و نیز با روح حقوق بین الملل بشر مغایرت کامل دارد.

دو از مالکیت‌های ادبی و هنری و صنعتی حمایت می‌کند.

بند ۲ ماده ۲۷: «هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار عملی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.»

ماده شانزدهم: «هر انسانی حق دارد از ثمره دستاوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیک خود سود ببرد و حق دارد از منافع معنوی و مالی حاصله از آن حمایت نماید؛ مشروط بر اینکه آن دستاورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.»

- حق پناهندگی

اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر، با تفاهت‌هایی در معیارهای اعطای پناهندگی، به گونه اصولی این حق را شناخته‌اند:

ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«۱- هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

۲- در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود.»

ماده دوازدهم اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر از نظر اسلام:

«هر انسانی... چنانچه مورد ظلم قرار گیرد، می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناه ده و واجب است که با او مدارا کند تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی، ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.»

- حق کار، گزینش آزادانه کار

در هر دو اعلامیه به حق کار، انتخاب آزادانه شغل و مزد مساوی برای زن و مرد در برابر کار یکسان، تصریح شده است.

ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«۱- هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

به بردگی کشیدن یا تحقیر، یا متهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.

ب) استعمار در انواع گوناگونش و به اعتبار اینکه بدترین نوع بردگی است شدیداً تحریم می‌شود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند حق دارند از آن‌رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند.»

- اصل برائت

بند یک از ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ه از ماده ۱۹ اعلامیه قاهره هر دو این اصل مهم حقوق جزا را بیان می‌دارند.

بند یک ماده ۱۱: «هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن همه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد.»

بند ه از ماده ۱۹: «متهم بیگناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.»

- احترام به زندگی خصوصی

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ب از ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی بر لزوم احترام به زندگی خصوصی افراد و عدم مداخله در آن تأکید دارد.

ماده ۱۲: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد.»

بند ب از ماده ۱۸: «هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود در مسکن، خانواده، مال و ارتباطات استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.»

- حمایت از مالکیت معنوی

بند ۲ از ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده شانزدهم اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر هر

○ حقوق بین الملل بشر
وارد مباحث اخلاقی نمی‌شود زیرا قائل به اصل جدایی اخلاق از حقوق است؛ در حقوق بشر از دیدگاه اسلام، اخلاق زیر بنا و جزء جدا ناشدنی قواعد حقوقی است و حقوق مذهبی نسبت به اعمال انسانها، حتی در مواردی که هیچگونه زبانی به شخصی نمی‌رسد و شکایتی نیز وجود ندارد، بی تفاوت نیست.

۲- همه حق دارند بی هر گونه تبعیض در برابر کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند...»
ماده سیزدهم اعلامیه حقوق بشر اسلامی:

«کار حقی است که باید دولت و جامعه برای هر کس که قادر به انجام دادن آن است، تضمین کند و هر کس در انتخاب کار شایسته آزاد است، به گونه ای که هم مصلحت خودش و هم مصلحت جامعه بر آورده شود.»

... هر کارگر صرف نظر از اینکه مرد یا زن باشد، حق دارد مزد عادلانه ای در برابر کاری که می کند سریعاً دریافت نماید...»

بخش چهارم: وجوه تمایز حقوق بین الملل بشر با حقوق بشر از دیدگاه اسلام

به علت اختلاف در مبانی فلسفی، تفاوتی اساسی میان مقررات حقوق بشر از نظر اسلام و حقوق بشر از منظر تفکرات مبتنی بر محوریت انسان، وجود دارد که در مقایسه مواد منشور بین المللی حقوق بشر و اعلامیه ۱۹۹۰ قاهره درباره حقوق بشر از نظر اسلام آشکار می شود:

- محور بودن قانون یا شرع

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های مربوط به آن، هر جا سخن از محدودیت حقوق می رود، «قانون» مورد استناد قرار می گیرد، در حالی که در اعلامیه قاهره، معیار همه حقوق و وظایف، شرع و احکام شریعت ذکر شده است و تفاوت میان این دو آشکار است. خاستگاه شرع و احکام شریعت وحی و احکام الهی است؛ در حالی که منظور از «قانون» در اسناد بین المللی مذکور، مصوبات نمایندگان مردم با رأی اکثریت است. سرچشمه قانون اراده مردم است و منشاء شرع اراده خداوند، و بدیهی است که نتیجه متفاوت بودن خاستگاهها، وجود تفاوت در احکام و آثار ناشی از آن است. در ماده ۲۴ اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر از نظر اسلام ذکر شده است که: «همه حقوق و آزادیهای مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است» و در ماده ۲۵ آن آمده است که: «شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا

توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه است.»
در حالی که بند ۲ از ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادیهای خود، فقط تابع محدودیتهایی است که بوسیله قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادیهای دیگران و برای مقتضیات درست اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط يك جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.»

- مجاز بودن یا نبودن تغییر دین و تفاوت در تلقی از «مذهب»

در حالی که ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق آزادی تغییر مذهب، بطور مطلق اشاره دارد، ماده دهم اعلامیه حقوق بشر اسلامی آشکارا روی کردن از دین اسلام به دین دیگر یا به بی دینی را جایز نمی داند. کسانی معتقدند که ممنوعیت تغییر دادن دین و وجود احکام ارتداد، با آزادی فکر و عقیده منافات دارد. در مقابل، می توان گفت پذیرش اسلام اجباری نیست و کسی که با میل و اختیار و بر پایه تحقیق دین اسلام را می پذیرد، می داند یکی از احکام آن ارتداد است؛ بنابراین انتخاب آگاهانه دینی که دارای محدودیت خروج است منافاتی با آزادی اراده اشخاص ندارد.

ماده ۱۸: «هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است...»

ماده ۱۰: «اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره برداری از فقر یا جهل انسان برای تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نیست.»

این اختلاف، ناشی از تفاوت ریشه داری است که میان برداشتهای مفهوم دین در تفکر غیر مذهبی و تفکر اسلامی وجود دارد. از منظر تفکر غیر مذهبی، مذهب یعنی هر گونه باور انسانی به نیرو یا نیروهای ماوراء الطبیعه، گذشته از دستی یا نادرستی آن؛ بنابراین، از این دیدگاه، مذاهب، با هر نوع اعتقاد و مربوط به هر زمان که باشند، همعرض یکدیگر و با هم برابرند.

○ با توجه به اختلاف در مبانی و دیدگاه و نگرش نسبت به انسان، نباید انتظار داشت، احکام حقوق بشری بر خاسته از عقل انسانها و به عبارت دیگر حقوق بشر مطلق، با احکام حقوق بشری منبعث از وحی و به عبارت دیگر حقوق بشر مقید به قیود دینی، صدر صد یکسان و فاقد هر گونه تمایز باشد.

ولی از نظر اسلام، هر نوع اعتقاد به ماوراء الطبیعه و نیروهای فوق انسانی، دین محسوب نمی‌شود؛ بلکه دین یعنی اعتقاد به خداوند یکتا (توحید) و نبوت و معاد که منحصر به ادیان الهی است.

تفکر مذهبی، برخلاف تفکر غیر مذهبی، نمی‌تواند اعتقاد به هم‌عرض بودن ادیان یا برابری اندیشه‌های مذهبی و غیر مذهبی داشته باشد؛ زیرا این امر به این معنی است که یک مکتب قائل به اصالت و درستی خود نباشد. وقتی یک مکتب اصول و ایده‌های خود را بعنوان معیار و شاخص صحت فکر و عمل معرفی می‌کند، بدیهی است که دیگر تفکرات و ایده‌ها را ناقص تلقی کند و به این ترتیب از دیدگاه مکتبی معقول نیست که یک ایدئولوژی قائل به برتری خود نباشد یا روی کردن به اندیشه‌های نادرست را مجاز بداند.

البته جالب است بدانیم همچنان که در حقوق بشر اسلامی تغییر عقیده از اسلام به دیگر ادیان یا رو کردن به بی‌دینی مجاز شمرده نمی‌شود، در حقوق بین‌الملل بشر نیز با توجه به روح اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای آن و حاکمیت آراء مفسرانی که این حقوق غیر مذهبی و قایل به احترام به مذاهب را، حقوق ضد مذهبی و محدود کننده مذاهب معرفی کرده‌اند، رویکرد ملت‌ها از تفکرات غیر مذهبی به مذهبی (بویژه اسلام) نیز مجاز و مطلوب شمرده نمی‌شود. گرچه این ممنوعیت آشکارا در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های مربوط ذکر نشده است، اما از مبانی شوریک و اساسی ایده‌های مندرج در اعلامیه جهانی و کنوانسیون‌های مربوط به آن که برخاسته از مکتب اصالت فرد و لیبرالیسم و مخالفت با مذهب و کلیسا بوده است، و بویژه حاکمیت مفسران یادشده و شیوه عمل موجود در جهان، این ممنوعیت به خوبی قابل استنباط است. برخورد دولتهای بزرگ و مجامع جهانی حقوق بشر با پدیده رویکرد به دین در ایران و افغانستان و بویژه سکوت در برابر سرکوب اسلام‌گرایان در الجزایر (پس از پیروزی آنان در یک انتخابات آزاد) مؤید این استنباط است.

ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای سیاسی (۱۹۵۰) در مورد آزادی بیان و عقیده و مذهب، دارای ۲ بند است که بند ۱ آن دقیقاً تکرار همان ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ولی بند ۲ از ماده ۹ این کنوانسیون استثنای فرآوانی برای آزادی‌های یاد شده ذکر نموده است و به موجب آن «آزادی مذهب یا ابراز عقیده می‌تواند فقط طبق حقوق لازمه جامعه دموکراتیک بخاطر سلامت جامعه، حمایت از نظم و سلامت و اخلاق عمومی یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران محدود شود.»^{۱۴}

- ذکر نشدن «حق ایستادگی در برابر ستم، استعمار و اشغال» در منشور بین‌المللی حقوق بشر

از جمله نواقص مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصریح نکردن به حق مقاومت در برابر ستم بعنوان یک حق مسلم بشری است. در زمان تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، در کمیسیون حقوق بشر و کمیته سوم چند حق مورد بحث قرار گرفت، اما در پایان در «اعلامیه» گنجانده نشد؛^{۱۵} که می‌توان گفت مهمترین آنها «حق مقاومت در برابر ستم» بود. می‌توان احتمال داد که ذکر نشدن این حق طبیعی و فطری بشری و نیز حمایت از ملت‌های زیر ستم و همچنین نفی نشدن استعمار، ناشی از نقش اساسی دولتهای بزرگ در تدوین این اعلامیه بوده است. فقط در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، به گونه ضمنی و در لابلای جملات «مقدمه»، اشاره‌ای گذرا به مقاومت بشر در برابر ظلم و ستم، به شرح زیر دیده می‌شود:

«از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر بعنوان آخرین چاره به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد.»

گرچه ممکن است گفته شود در حقوق بین‌الملل به «دفاع مشروع» و نیز به «حق تعیین سرنوشت» برای ملت‌ها اشاره شده است و از این مفاهیم، حق مقاومت در برابر ستم استنباط می‌شود، در پاسخ می‌توان گفت که موارد بالا،

○ در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های مربوط به آن، هر جاسخن از محدودیت حقوق می‌رود، «قانون» مورد استناد قرار می‌گیرد، در حالی که در اعلامیه قاهره، معیار همه حقوق و وظایف، شرع و احکام شریعت ذکر شده است.

هزینه‌های زندگی مشترک اشاره دارد.

ماده ۱۶: «... در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در همه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی هستند.»
ماده ششم:

«الف) در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام از نسب خویش است.

ب) بار نفقه خانواده و مسئولیت نگهداری آن از وظایف مرد است.»

به سخن دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر قائل به برابری قانونی حقوق زن و مرد یعنی مساوات حقوقی است که به معنی دارا بودن حقوق و وظایف یکسان است، در حالی که به نظر می‌رسد حقوق اسلام قائل به تساوی در برابر قانون و برخورداری بی تبعیض از حمایت قانون است که تساوی در برابر قانون به معنای تساوی قانونی (برابری حقوقی و برخورداری از حقوق و وظایف یکسان) نیست.^{۱۶}

تفاوت در ضمانت اجرا

با توجه به تفاوت‌های ماهوی در دو نوع حقوق مورد مقایسه، ضمانت‌های اجرایی هم ماهیتی متفاوت دارند. در منشور بین‌المللی حقوق بشر، ضمانت‌های اجرایی بطور عمده عبارت است از تعهد کشورهای امضاکننده کنوانسیون‌ها، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، گزارش‌های کشورهای به دبیر کل سازمان ملل متحد، گزارش کمیته حقوق بشر به شورای اقتصادی - اجتماعی و از راه این شورا به مجمع عمومی سازمان ملل و... .

کمیسیون حقوق بشر از سال ۱۹۴۶ به موجب يك قطعنامه، به وجود آمده و مرکب از نمایندگان منتخب کشورها است و در حال حاضر ۵۳ نفر از ۵ منطقه جغرافیایی برای عضویت در آن برگزیده می‌شوند: آفریقا، آسیا، اروپای شرقی، آمریکای لاتین، اروپای غربی و دیگر کشورها. مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ تصمیم گرفت که يك پست

همه اشکال مقابله با ستم بر انسانها را در برنمی‌گیرد و از این گذشته، حق ایستادگی در برابر ستم به گونه‌ای ضمني می‌تواند از حقوق یادشده استنباط شود که مانند همه حقوق غیر مصرح و استنباطی می‌تواند مورد اشکال و مناقشه بسیار قرار گیرد که نتیجه آن تضییع حقوق ستم‌دیدگان است.

این خلأ در اعلامیه حقوق بشر اسلامی وجود ندارد و در چند جای این اعلامیه آشکارا به این حق طبیعی انسانها اشاره شده است.

در مقدمه اعلامیه حقوق بشر از نظر اسلام آمده است که:

«از امت اسلامی انتظار می‌رود که در تلاشهای بشر برای اظهار حقوق بشر، حقوقی که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است، مشارکت نماید.»

در ماده یازدهم اعلامیه مذکور آمده است که: «استعمار در انواع گوناگونش و به اعتبار اینکه بدترین نوع بردگی است شدیداً تحریم می‌شود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند حق دارند از آن رهایی یابند و سرنوشت خویش را تعیین کنند. همه دولت‌ها و ملت‌ها نیز موظف هستند این گروه را در مبارزه برای نابودی هر نوع استعمار و اشغال یاری دهند.»

اگر حق مقاومت در برابر ستم و اشغال آشکارا در اسناد بنیادی حقوق بشر ذکر می‌شد، شاید امروز ملت فلسطین وضع بهتری می‌داشت.

- حقوق زن و مرد در خانواده

اعلامیه جهانی، در ماده ۱۶ خود قائل به تساوی کامل حقوق زن و مرد در همه امور مربوط به زندگی خانوادگی و نیز به هنگام انحلال آن است، در حالی که ماده ششم اعلامیه قاهره، با عنایت به حقوق اسلام که در این مورد قائل به عدالت است و عدالت الزاماً در همه موارد به معنی تساوی نیست، آشکارا به یکی از تفاوت‌های مهم حقوق زوجین در زندگی خانوادگی، یعنی وظیفه مرد به پرداخت همه

○ از جمله نواقص مهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصریح نکردن به حق مقاومت در برابر ستم بعنوان يك حق مسلم بشری است. در زمان تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر و کمیته سوم چند حق مورد بحث قرار گرفت، اما در پایان در «اعلامیه» گنجانده نشد؛ که می‌توان گفت مهمترین آنها «حق مقاومت در برابر ستم» بود.

کمیساریای عالی حقوق بشر به وجود آورد. ۱۷ به سخن دیگر، در حقوق بین‌الملل بشر، ضمانت اجرا عمدتاً بر عهده دولت‌ها یا سازمانهای بین‌المللی است.

در اعلامیه ۱۹۹۰ قاهره در مورد حقوق بشر از دیدگاه اسلام، با توجه به ماهیت حقوق اسلام که حقوقی مذهبی است، ضمانت‌های اجرایی تفاوت اساسی با ضمانت‌های اجرایی در حقوق غیرمذهبی دارد.

در مقدمه این اعلامیه آمده است:

«و با ایمان به اینکه حقوق اساسی و آزادیهای عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمانان است... بنابراین مراعات آنها عبادت است و کوتاهی از آنها یا تجاوز به آنها منکر و هر کس به تنهایی مسئول پاسداری و اجرای آن است و امت به گونه هماهنگ در تضمین (مشترک) آن مسئولیت دارد.»

در بند ماده ۲۲ این اعلامیه ذکر شده است:

«هر کس حق دارد برای خیر و نهي از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.» به سخن دیگر، ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشر دنیوی و مربوط به دولت‌ها و سازمان‌های جهانی است، در حالی که ضمانت اجرا در حقوق بشر اسلامی بطور عمده اخروی و مربوط به رابطه خالق و مخلوق و جزئی از عبادات است.

وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، که منبعث از وحی و شریعت اسلام است، می‌تواند به منزله اعلام عدم تمایل کشورهای مذکور به پذیرش بی‌چون و چرای اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های وابسته تلقی شود.

● در مورد حقوق بشر، وجوه تشابه بسیاری میان منشور بین‌المللی حقوق بشر و اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر از نظر اسلام وجود دارد که برخی از آنها عبارت است از:

تضمین حق حیات برای انسانها، نفی بردگی، اصل برائت، احترام به زندگی خصوصی، حمایت از مالکیت معنوی، حق پناهندگی و...

● به علت تفاوت در مبانی فلسفی، تفاوت‌های اساسی میان مقررات حقوق بشر از نظر اسلام و حقوق بشر از نظر منشور بین‌الملل حقوق بشر وجود دارد که برخی از آنها عبارت است از:

محور بودن قانون یا شرع، مجاز بودن یا نبودن تفسیر دین، تفاوت در تلقی از «مذهب»، ذکر نشدن «حق مقاومت در برابر ستم، استعمار، اشغال» در منشور بین‌المللی حقوق بشر، تساوی یا عدالت در حقوق زن و شوهر در خانواده، تفاوت در ضمانت اجرا و...

● به گونه فشرده می‌توان گفت که حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشر از نظر اسلام در مواردی همخوان و در مواردی متعارض هستند.

نتایج

● با وجود مشابهت برخی نیازهای اساسی انسانها، گوناگونی ملتها و تمدنها از دید فرهنگی، تاریخی، سیاسی، قومی و ایدئولوژیک ایجاب می‌کند که از تحمیل نسخه‌ای یگانه در زمینه حقوق بشر به همه انسانها پرهیز شود.

● مکتب حقوق فطری و اصالت فرد که بر محوریت عقل انسان و نفی هرگونه سلطه قومی یا مذهبی یا فرهنگی بر انسان استوار است، زیربنای اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌شمار می‌رود.

● تصویب اعلامیه قاهره در ۱۹۹۰ در مورد حقوق بشر از دیدگاه اسلام، مصوب اجلاس

○ اعلامیه جهانی حقوق بشر قائل به برابری قانونی حقوق زن و مرد یعنی مساوات حقوقی است که به معنی دارا بودن حقوق و وظایف یکسان است، در حالی که به نظر می‌رسد حقوق اسلام قائل به تساوی در برابر قانون و برخورداری بی‌تبعیض از حمایت قانون است که تساوی در برابر قانون به معنای تساوی قانونی (برابری حقوقی و برخورداری از حقوق و وظایف یکسان) نیست.

یادداشت‌ها

۱. ر. ک. صفائی، سیدحسین، «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، بهمن ۱۳۷۰، صفحات ۱۵ تا ۱۵.

۲. ر. ک. قربانی، زین‌العابدین، اسلام و حقوق بشر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم ۱۳۷۲.

۳. در مورد متن اعلامیه جهانی و کنوانسیون‌ها، ر. ک. STEINER Henry S, and ALSTON Philip, International Human Rights in context, Oxford University Press, Second Edition, 2000, p.1376 S.

۴. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

○ اگر حق مقاومت در برابر
ستم و اشغال آشکارا در
اسناد بنیادی حقوق بشر
ذکر می شد، شاید امروز
ملت فلسطین وضع بهتری
می داشت.

- شماره ۲۸- پاییز ۱۳۷۶، متن سخنرانی آقای کوفی انان، صفحات ۱۹۸ تا ۲۰۳.
۵. روزنامه ایران- شماره ۲۱۰۵- ۲۱/۲/۳۱-۸۱ صفحه ۳.
۶. Michael Freeman، «مبانی فلسفی حقوق بشر»، به نقل از کتاب حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، ترجمه و تحقیق و نگارش از حسین شریفی طر از کوهی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۳۶.
۷. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ص ۳۱۳.
۸. Glen Johnson، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، پیش گفتار از فدریکو مایور، ترجمه محمد جعفر پوربند. نشر نی، چاپ سوم ۱۳۷۸، ص ۶۹.
۹. همان، ص ۸۷.
۱۰. مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۴۵ به بعد.
۱۱. ر.ک. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، صفحه ۴۱ به بعد.
۱۲. المظفر، محمدرضا، اصول فقه، جلد الشانی، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، صفحه ۱۳۱.
۱۳. محقق داماد، سید مصطفی، «حقوق بشر در غرب و اسلام»، به نقل از کتاب حقوق بشر از منظر اندیشمندان، پژوهش و تدوین محمد بسته نگار، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۶۳۴.
14. JANIS, M., KAY, BRADLEY, A., *European Human Rights Law, text and materials*, Oxford University Press, Second Edition. 2000, pp. 512-513.
۱۵. جانسون، پیشین، ص ۸۲.
۱۶. ر.ک. دانش بزو، مصطفی و خسرو شاهی، قدرت الله، فلسفه حقوق، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ پنجم ۱۳۸۰، ص ۱۹۷.
17. Colliard, Claud-Albert, Dubouis, Louis, *Institutions Internationales*, 10 ed, DAL-LOZ, 1995, n°91.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی